

مقاله پژوهشی:

چگونگی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی*

tavakoli@iki.ac.ir

محمدجواد توکلی / دانشیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۶

چکیده

یکی از مباحث مهم در ارزش‌شناسی اقتصاد اسلامی بررسی چگونگی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی است. این بررسی که به روش تحلیلی صورت گرفته، می‌تواند به محققان اقتصاد اسلامی در ورود ارزش‌ها به نظریاتشان کمک کند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که ارزش‌ها در قالب ارزش‌دآوری معرفتی و اخلاقی (ارزش‌دآوری آرمانی، رفتاری، ساختاری و سیاستی) وارد نظریه‌های اقتصاد اسلامی می‌شوند. «ارزش‌دآوری معرفتی» حاکی از جهت‌گیری ارزشی محقق اقتصاد اسلامی در تولید دانش اقتصاد اسلامی است. مهم‌ترین بخش «ارزش‌دآوری اخلاقی» در اقتصاد اسلامی تعیین و تعریف اهداف نظام اقتصاد اسلامی، رتبه‌بندی اهداف، و تدوین شاخص‌های اقتصادی است. «ارزش‌دآوری رفتاری» نیز حاکی از استانداردهای رفتار اقتصادی مطلوب است. «ارزش‌دآوری ساختاری» نیز حاکی از استانداردهای نهادی مطلوب در عرصه‌هایی همچون حقوق مالکیت و مداخله دولت است. در نهایت، «ارزش‌دآوری سیاستی» مشتمل بر توصیه سیاست‌ها و اقداماتی برای بهبود عملکرد نظام اقتصادی در چارچوب ساختار نهادی و استانداردهای رفتاری مفروض است. هرچند ارزش‌های اخلاقی به‌عنوان فرض وارد نظریه می‌شوند، ولی در ادامه مورد قضاوت ارزشی قرار می‌گیرند و مبنای توصیه ارزشی اقتصاددانان واقع می‌شوند. از این‌رو، چرخه ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی را می‌توان با تفکیک میان «فروض»، «قضاوت» و «توصیه ارزشی» توضیح داد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد اسلامی، ارزش‌ها، نظریات اقتصاد اسلامی، اقتصاد هنجاری، اقتصاد اثباتی، مکتب اقتصادی اسلام.

طبقه‌بندی JEL: P4, D46, A13

یکی از مباحث مهم ارزش‌شناسی اقتصاد اسلامی این است که مشخص کنیم ارزش‌های اسلامی چگونه وارد نظریات اقتصادی می‌شوند. هرچند کلیت اثرپذیری نظریات اقتصاد اسلامی از ارزش‌ها پذیرفته شده، اما تصویر مشخصی از چگونگی ورود ارزش‌ها در این نظریات مطرح نگردیده است. در این مقاله به بررسی چگونگی اثرپذیری نظریات اقتصاد اسلامی از ارزش‌های اسلامی می‌پردازیم.

برای بررسی چگونگی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی باید تصویر دقیقی از ارزش‌ها و همچنین نظریه‌های اقتصاد اسلامی داشته باشیم. در این بررسی، هم تفکیک انواع ارزش و ارزش‌داوری و هم انواع نظریه‌های اقتصادی مهم است. این سؤال قابل طرح است که آیا همه نظریه‌های اقتصاد اسلامی به یک شکل از ارزش‌ها متأثر می‌شوند؟ یا اینکه درجه اثرپذیری نظریه‌های گوناگون اقتصادی اسلامی از ارزش‌ها متفاوت است.

در این مقاله ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی و اثرپذیری نظریه‌های اقتصاد اسلامی از ارزش‌ها به یک مفهوم گرفته شده است. مراد این است که آیا نظریه‌های اقتصاد اسلامی ارزش‌بار می‌باشند؟ و اگر چنین است چگونه ارزش‌ها بر آن نظریه‌ها اثر می‌گذارند یا وارد نظریه می‌شوند؟ بنا بر فرضیه مقاله، ارزش‌ها هم به‌عنوان متغیر تحلیلی وارد نظریه‌های اقتصاد اسلامی می‌شوند و هم به‌عنوان فروض ارزشی نظریه را درگیر ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی (ارزش‌داوری آرمانی، رفتاری، ساختاری و سیاستی) می‌کنند.

پیشینه تحقیق

در زمینه چگونگی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی تحقیقات پردامنه‌ای صورت نگرفته است. در ادامه به برخی آثار در این زمینه و ازجمله آثار ورود ارزش در نظریه‌های اقتصادی اشاره می‌شود:

توکلی و رفیعی پیشه‌وری (۱۳۹۹) به ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی از مسیر تعیین اهداف، ساختارهای مطلوب، استانداردهای رفتاری مطلوب، و توصیه سیاست مطلوب توجه کرده‌اند (توکلی و رفیعی پیشه‌وری، ۱۳۹۹، ص ۱۳-۲۱).

زرقا (۱۳۸۲) انتخاب پیش‌فرض‌ها، انتخاب موضوع برای تحلیل، انتخاب متغیرهای مناسب برای مطالعه و انتخاب روش‌ها و معیارها برای تأیید و آزمون را چهار مسیر برای ورود ارزش‌ها در تحلیل‌های اقتصادی می‌داند. وی برای این مسیرها مصادیقی همچون عدم پذیرش فرض کمیابی در اقتصاد اسلامی، توجه به انگیزه‌های اخلاقی و معنوی انسان اقتصادی، و برجسته کردن رفتارهای نوع‌دوستانه معرفی می‌کند (زرقا، ۱۳۸۲، ص ۱۱۶-۱۱۹).

یوسفی (۱۳۷۵) ارتباط ارزش‌ها با علم اقتصاد را با تفکیک مرحله گردآوری پدیده و سوزه مطالعه و مرحله قضاوت و داوری درباره الگو تبیین می‌کند (یوسفی، ۱۳۷۵).

سیحانی (۱۳۷۰) ضمن قبول تأثیر ارزش‌ها در ایجاد واقعیات عینی، امکان بررسی علمی واقعیت مستقل از ارزش‌ها را می‌پذیرد. به نظر او علم اقتصاد در شکل کنونی نتیجه ارزش‌های نهفته در واقعیات اجتماعی خاص با جهان بینی خاص است (سیحانی، ۱۳۷۰، ص ۵۷).

زریباف (۱۳۸۷) از علم اقتصاد متعارف به سبب حذف جایگاه ارزش‌ها در روش‌شناسی خود، انتقاد می‌کند. وی قضاوت ارزشی در اقتصاد را گریزناپذیر می‌داند (زریباف، ۱۳۸۷، ص ۵۹).

مک‌لاپ (۱۳۸۱) ورود ارزش‌ها در اقتصاد را از مجرای ارزش‌داوری عاملان اقتصادی، اقتصاددانان و متقاضیان تحلیل اقتصادی ترسیم می‌کند (مک‌لاپ، ۱۳۸۱).

هرچند در مقالات مزبور مباحثی در زمینه ارزش‌باری نظریه‌های اقتصادی مطرح شده، ولی نگاهی دقیق و تفصیلی به چگونگی ورود ارزش‌ها در این نظریه‌ها، به‌ویژه نظریه‌های اقتصاد اسلامی نشده است. این مقاله می‌کوشد ضمن استفاده از یافته‌های پژوهش‌های پیشین، بین انواع ارزش‌داوری در اقتصاد اسلامی تفکیک قایل شود و چگونگی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی را تبیین کند. از دستاوردهای این مقاله تفکیک بین ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی و تفکیک بین فروع، قضاوت و توصیه ارزشی در چرخه ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی است. تمایز بین تحلیل ارزشی و ارزش‌داوری در نظریه‌های اقتصاد اسلامی و همچنین تفکیک بین دو نوع ارزش‌داوری معرفتی و اخلاقی و همچنین چهار نوع ارزش‌داوری اخلاقی از جمله نوآوری‌های این مقاله است.

مفهوم‌شناسی ورود ارزش در نظریه‌های اقتصاد اسلامی

هنگامی که از ورود ارزش در نظریه‌های اقتصادی سخن می‌گوییم، باید منظورمان از سه مفهوم کلیدی «ارزش»، «نظریه اقتصادی» و «ورود» را مشخص کنیم:

الف. مفهوم «ارزش»

واژه «ارزش» (value) در زبان انگلیسی و القیمه در زبان عربی) به مفهوم بهاء، قیمت، قدر، منزلت، و خوب اخلاقی به کار رفته است. ارزش، که در مفهوم عامش حاکی از امور مطلوب و پسندیده است، می‌تواند گستره وسیعی از سلیق، ترجیحات، خصلت‌ها، و گرایش‌های فردی یا هنجارهای اجتماعی را شامل شود. اقتصاددانان عمدتاً از ارزش‌های مصرفی و مبادله‌ای سخن می‌گویند. با وجود این، ارزش‌های اخلاقی همچون عدالت و برابری هم مطمح نظر اقتصاددانان قرار دارد.

جدول ۲: انواع ارزش در اقتصاد

مفهوم	عناصر محوری
ارزش مصرفی	مطلوبیت، توان برطرف کردن نیاز
ارزش مبادله‌ای	مطلوبیت، کمیابی، درآمد، بهای کالاها، مکمل و جانشین
ارزش اخلاقی	مطلوبیت، مطلوبیت انسانی، شایستگی طلب، کمال، اختیار، انتخاب آگاهانه و خردمندانه

هرچند «مطلوبیت یا پسندیدگی» عنصر مشترک کاربردهای متفاوت ارزش است، اما عناصر دیگری نیز در آن دخیل است. در ارزش مصرفی، توان یک چیز برای تأمین نیاز نیز موضوعیت دارد. آب به واسطه توانش در رفع عطش انسان ارزش مصرفی بالایی دارد، ولی سنگ‌ریزه در بیابان چنین کارکردی ندارد و ارزشمند قلمداد نمی‌شود. در ارزش مبادله‌ای، کمیابی نیز از مقومات ارزش است. هرچند هوا ارزش مصرفی بالایی دارد، ولی به‌خاطر پربایی از ارزش مبادله‌ای برخوردار نیست. ملاک در ارزش اخلاقی صرف مطلوبیت نیست، بلکه عناصر دیگری همچون مطلوبیت انسانی، شایستگی طلب، کمال، اختیار، انتخاب آگاهانه و خردمندانه نیز دخیل است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳).

هنگامی که از ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصادی سخن می‌گوییم، دغدغه اصلی اقتصاددانان ارزش مصرفی و مبادله‌ای نیست، بلکه توجه عمده به ارزش‌های اخلاقی است.

ب. نظریه‌های اقتصاد اسلامی

نظریه اقتصادی حاکی از دیدگاه‌های اقتصادی در تجزیه و تحلیل پدیده‌های اقتصادی است. نظریه مزبور می‌تواند هویتی اثباتی داشته باشد و از قانونمندی‌های اقتصادی حکایت کند (مانند قانون عرضه و تقاضا). همچنین نظریه اقتصادی می‌تواند هویتی هنجاری یا سیاستی داشته باشد (مانند نظریه عدالت توزیعی، سیاست پولی).

ج. چگونگی ورود ارزش

چگونگی ورود ارزش به نظریه اقتصادی، هم تحلیل ارزشی (تبیین چگونگی تحلیل اثر ارزش‌ها بر رفتار و عملکرد اقتصادی در نظریه‌های اقتصاد) و هم ارزش‌دوری معرفتی و اخلاقی (چگونگی درگیر شدن اقتصاددانان مسلمان در قضاوت ارزشی) را شامل می‌شود که در ادامه تبیین خواهد شد.

سنخ‌شناسی ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصادی

سنخ‌شناسی انواع ورود ارزش در نظریه‌های اقتصادی را می‌توان با توجه به اینکه ارزش چه افرادی وارد نظریه اقتصادی می‌شود، بررسی کرد. نوعی دیگر از سنخ‌شناسی ورود ارزش - که در این مقاله پیشنهاد می‌شود - تمایز بین انواع ارزش‌دوری در نظریه‌های اقتصادی است.

الف) تنوع ارزش‌داوران

مک‌لاپ در مقاله تحلیلی خود، ورود ارزش‌ها در اقتصاد را در قالب دوازده بند تبیین می‌کند (جدول ۲). بندهای دوازده‌گانه اشاره‌شده مک‌لاپ را می‌توان در سه دسته جای داد:

جدول ۲: چگونگی ورود ارزش‌ها در تحلیل اقتصادی از نگاه مک‌لاپ

<p>۱. در مدل‌های اقتصادی فرض می‌شود تصمیم‌گیرندگان خرد اقتصادی (خانوارها و مدیران شرکت‌ها) از ویژگی‌های ارزشی خاصی از جهت سلیقه، ترجیحات، مطلوبیت‌ها و چگونگی واکنش به تغییر در فرصت‌ها بهره‌مندند.</p> <p>۲. رفتار افراد به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان خرد سیاسی (چه فردی، چه گروهی)، تابع ارزش‌های خاصی می‌باشد.</p> <p>۳. رفتار گروه‌های اجتماعی (مبلغان، مدیران مدارس، احزاب،...) تابع ارزش‌های خاصی است.</p> <p>۴. هنجارهای قانونی و اخلاقی ارزش‌هایی می‌باشند که بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارد.</p> <p>۵. رفتار دولت (مسئولان اجرایی و قانون‌گذاران) تحت تأثیر ارزش‌های خاص خود است.</p> <p>۶. ارزش‌های مورد قبول متقاضیان تحلیل‌های اقتصادی بر تحلیل‌ها و سیاست‌های پیشنهادی اقتصاددانان مؤثر است.</p> <p>۷. اقتصاددانان در ترسیم تابع رفاه اجتماعی که مبنای سیاست‌گذاری است، ارزش‌های سمبلیک ملت، جامعه جهانی و یا جوامع محلی را مفروض می‌گیرند.</p> <p>۸. ارزش‌های اقتصاددان به‌عنوان یک تحلیل‌گر در انتخاب موضوع تحقیق، مسائل مورد تحلیل و فرضیه‌های مورد آزمون مؤثراند.</p> <p>۹. ارزش‌های اقتصاددان به‌عنوان یک تحلیل‌گر در انتخاب تکنیک‌ها و روش‌های تحلیل، چگونگی وزن دهی به شواهد مؤثر است.</p> <p>۱۰. ارزش‌های اقتصاددان به‌عنوان تحلیل‌گر در انتخاب اصطلاحات، پذیرش داده‌های آماری و اندازه‌گیری شاخص‌ها (مانند محاسبه شاخص تولید ملی بر حسب قیمت بازاری با مفروض گرفتن توزیع درآمد) مؤثر است.</p> <p>۱۱. ارزش‌های اقتصاددان به‌عنوان مشاور در جایگزینی قضاوت‌های ارزشی خود به جای ارزش‌های واقعی جامعه مؤثر است.</p> <p>۱۲. ارزش‌های اقتصاددان به‌عنوان یک مشاور، در استفاده وی از داده‌های نامناسب یا ساختگی، کاربرد روش‌های محاسباتی ناقص، و دادن شواهد غلط مؤثر است.</p>

الف) ورود ارزش‌ها در تحلیل اقتصادی به واسطه تأثیر ارزش‌ها (ی فردی و اجتماعی: هنجارها) بر رفتار تصمیم‌گیرندگان اقتصادی (بندهای ۱ تا ۴):

ب) ورود ارزش‌ها در تحلیل اقتصادی از مجرای ارزش‌های مقبول متقاضیان تحلیل‌های اقتصادی (بند ۵):

ج) ورود ارزش‌ها در تحلیل اقتصادی از طریق ارزش‌های مقبول خود اقتصاددانان به‌مثابه تحلیل‌گر یا اقتناع‌کننده (بندهای ۶ تا ۱۲) (مک‌لاپ، ۱۳۸۱، ص ۱۶۹-۱۷۱).

با توجه به دو دسته ب و ج، ارزش‌های سه گروه تصمیم‌گیرندگان اقتصادی و سیاسی، مشتریان اقتصاددانان، و خود اقتصاددانان بر نظریات اقتصادی اثر می‌گذارد.

جدول ۳: ورود ارزش‌ها در اقتصاد براساس ارزش‌داوران

ارزش‌گذار	نوع ارزش
عاملان اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> - سلائق، ترجیحات و ارزش‌های فعالان اقتصادی (فرض مدل اقتصادی)(۱)، تصمیم‌گیرندگان خرد(۲)، گروه‌های اجتماعی(۳)، و مسئولان اجرایی و قانون‌گذاری(۵) - ارزش‌های سمبلیک ملت، جوامع محلی و جامعه جهانی (فروض در تابع رفاه اجتماعی)(۷) - هنجارهای قانونی و اخلاقی(۴)
متقاضیان تحلیل اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> - ارزش‌های مورد قبول متقاضیان تحلیل‌های اقتصادی (موثر بر تحلیل و سیاست پیشنهادی)(۶)
اقتصاددانان	<ul style="list-style-type: none"> - ارزش‌داوری ناظر به انتخاب موضوع، مساله و فرضیه (مورد آزمون) تحقیق(۸)، تکنیک و روش تحلیل (موثر در وزن‌دهی به شواهد)(۹)، انتخاب اصطلاحات، شاخص‌ها و پذیرش داده‌های آماری(۱۰)، - قضاوت‌های ارزشی اقتصاددان جایگزین ارزش‌های واقعی جامعه (جایگزینی ارزشی)(۱۱)، - استفاده از داده نامناسب یا ساختگی، روش محاسباتی ناقص، ارائه شواهد غلط(۱۲)

ب) تمایز ارزش‌داوری و تحلیل ارزشی

هنگام بحث از ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصادی باید بین ارزش‌داوری و تحلیل ارزشی تمایز قایل شد. ارزش‌داوری هنگامی صورت می‌گیرد که اقتصاددانان به خوب یا بد بودن یک معرفت، هدف، خصلت و یا ساختار اذعان می‌کنند. اما تحلیل ارزشی زمانی است که ارزش به‌مثابه متغیر تحلیلی وارد نظریه می‌شود.

تحلیل ارزشی در نظریه‌های اقتصادی با ورود ارزش به‌عنوان یک متغیر تحلیلی در نظریه‌های اثباتی، صورت می‌گیرد. برای نمونه، فرض می‌شود که افراد عقلایی تصمیم می‌گیرند. هرچند این نوع ورود ارزش متضمن ارزش‌داوری صریح نیست، ولی می‌تواند حاوی ارزش‌داوری ضمنی مبنی بر حفظ یا تغییر آن ارزش باشد. برای نمونه، ریچارد تالر استفاده از تلنگرها را برای اصلاح انتخاب عاملان اقتصادی و انتخاب براساس معیارهای عقلانیت توصیه می‌کند. این بدان معناست که ایشان انتخاب براساس عقلانیت را مطلوب قلمداد می‌کند.

اما ارزش‌داوری اقتصاددان در نظریه اقتصادی حاکی از قضاوت ارزشی یا توصیه ارزشی اوست. برای نمونه، اقتصاددان ممکن است قناعت در مصرف را نامطلوب بداند. البته وی برای توجیه این دیدگاه ارزشی‌اش ممکن است قناعت را همچون یک متغیر تحلیلی در نظریه رشد اقتصادی وارد کند و نتیجه بگیرد که قناعت موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

جدول ۴: انواع ورود ارزش در نظریه اقتصادی

نمونه	ورود ارزش در نظریه اقتصادی
<p>مصرف تابع ارزش قناعت است.</p> $C=C(P, \dots, Co), \left(\frac{\partial C}{\partial P} < 0, \frac{\partial C}{\partial Co} < 0\right) P=prices, C=Consumption, Co=Contentment$	<p>ورود ارزش در نظریه به‌عنوان متغیر تحلیلی</p>
<p>قناعت ارزشمند نیست؛ نباید قناعت را ترویج کرد.</p> <p>Co is not valuable, $C=Contentment$</p> <p>استدلال با تحلیل ارزشی: زیرا قناعت باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود.</p> $G=G(I, \dots, Co); \left(\frac{\partial G}{\partial I} < 0, \frac{\partial G}{\partial Co} > 0\right), G=Growth, I=Investmrnt, Co=Contentment$ <p>ارزش‌داوری ضمنی: کاهش رشد اقتصادی نامطلوب است (قضاوت ارزشی)</p>	<p>ورود ارزش در نظریه به‌عنوان یک قضاوت ارزشی</p>

ج) ارزش‌دآوری معرفتی و اخلاقی

ارزش‌دآوری اقتصاددانان در نظریه‌پردازی قابل تفکیک به ارزش‌دآوری معرفتی و اخلاقی است. نوع اول حاکی از اثرپذیری نظریه از ارزش‌های معرفتی و نوع دوم ناظر به اثرپذیری نظریه از ارزش‌های اخلاقی است.

جدول ۵: ارزش‌دآوری معرفتی و اخلاقی در اقتصاد

نوع ارزش	نوع ارزش‌دآوری
ارزش‌دآوری معرفتی	ارزش‌دآوری معرفتی
ارزش‌دآوری اخلاقی	ارزش‌دآوری اخلاقی
تحلیل ارزشی	تحلیل اثر سلاق، ترجیحات و ارزش‌ها و هنجارهای فعالان اقتصادی بر رفتار و عملکرد اقتصادی

مراد از «ارزش‌دآوری معرفتی» ارزش‌دآوری در خصوص معرفت مقبول است که بر تعیین موضوع و روش مطالعه علمی اثرگذار است. ارزش‌دآوری معرفتی می‌تواند به واسطه ارزش‌های مقبول اقتصاددانان و یا قضاوت ارزشی سفارش‌دهندگان تحلیل اقتصادی باشد.

«ارزش‌دآوری اخلاقی» در نظریه اقتصادی نیز حاکی از قضاوت درباره خوب و بد رفتارها (مانند عقلانیت)، موقعیت‌ها (مانند تعادل)، ساختارها، سیاست‌ها و برنامه‌هاست. یکی از مصادیق بارز ارزش‌دآوری اخلاقی «بهبود پرتو» است که متکی بر ارزش کارایی است و متکی بر ارزش عدالت نیست؛ زیرا بهبودهای پرتو می‌تواند ناعادلانه باشد. یکی دیگر از ارزش‌دآوری‌های اخلاقی در نظریه اقتصادی، «مکتب اخلاقی» است که مبنای تعیین اهداف و ارائه توصیه‌های سیاستی اقتصاددانان می‌شود. اقتصاددانان با انتخاب از میان مکاتب اخلاق هنجاری، رویکرد خاصی در ارزیابی موقعیت‌ها و سیاست‌های اقتصادی خواهند داشت. هنگامی که اقتصاددانان از بهبود پرتو دفاع می‌کنند و سیاست‌ها را براساس تأثیر آنها بر مطلوبیت اکثریت افراد جامعه بنا می‌نهند، این دیدگاه تحت تأثیر پذیرش رویکرد مطلوبیت‌گرایی قرار دارد. پذیرش سایر مکاتب اخلاق هنجاری همچون وظیفه‌گرایی، فضیلت‌گرایی و حق‌گرایی نیز می‌تواند موجب تغییر در ارزش‌دآوری اقتصاددانان نسبت به وضعیت‌ها و سیاست‌های اقتصادی شود.

د) ارزش‌دآوری ابزاری و غیرابزاری

برخی اقتصاددانان برای میرا کردن خود از ارزش‌دآوری اخلاقی، ادعا می‌کنند که آنها عملاً قضاوت ارزشی نمی‌کنند، بلکه به نسبت‌سنجی میان ارزش‌ها و ابزارهای دستیابی بدان می‌پردازند. برای نمونه، میل‌تون فریدمن (۱۹۵۳) معتقد است: اقتصاددانان و سیاست‌مداران اختلاف‌چندانی در خصوص ارزش‌ها ندارند، بیشتر اختلاف آنها درباره راه‌ها و ابزارهای رسیدن به اهداف است. اختلافی که فقط در اقتصاد اثباتی قابل

حل و فصل است، نه در اقتصاد هنجاری! یکی می‌گوید: آزادی اقتصادی ما را به اهداف و ارزش‌های مورد نظر می‌رساند و دیگری می‌گوید: مداخله دولت راهگشاست. در عین حال، هر دو از دستیابی به رشد و عدالت اقتصادی دفاع می‌کنند (فریدمن، ۱۹۵۳، ص ۳-۴۳).

ادعای مزبور را می‌توان با تفکیک میان دو نوع ارزش‌داوری ابزاری و غیرابزاری تحلیل کرد. ارزش‌داوری ابزاری یعنی اقتصاددان درباره مناسب بودن یک ابزار سیاستی برای تحقق اهداف مشخص شده قضاوت می‌کند، بدون اینکه خود ارزش‌ها را تعیین کند یا قضاوتی درباره آن داشته باشد. برای نمونه، اقتصاددان می‌گوید: سیاست پولی می‌تواند موجب کنترل تورم شود. او نمی‌گوید که آیا کنترل تورم خوب است یا بد، بلکه می‌گوید: اگر می‌خواهید تورم را کنترل کنید، این ابزار یا این سیاست می‌تواند شما را در دستیابی به این هدف کمک کند.

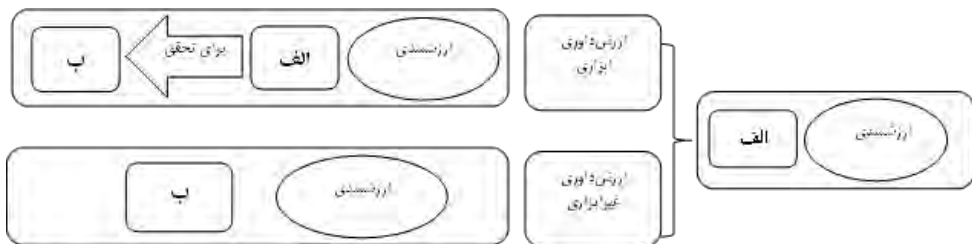
هرچند این ادعا در ظاهر موجه است، ولی اقتصاددانان و سیاست‌مداران، حتی در ضمن ارزش‌داوری ابزاری نیز قضاوت ارزشی می‌کنند. با توجه به وجود ابزارهای گوناگون برای دستیابی به یک هدف یا مجموعه اهداف، انتخاب یک ابزار یا تمرکز بر آن و عدم توجه به سایر گزینه‌های ممکن، نوعی ارزش‌داوری است. برای نمونه، اقتصاددانان علاقه زیادی به ابزارهای بازاری برای دستیابی به اهداف اقتصادی دارند. از این رو، هنگام بحث از ابزارهای سیاستی سراغ ابزارهای غیربازاری نمی‌روند و یا با نوعی سوگیری آن را مردود می‌شمارند. آنها در بررسی‌های خود وزن کمی به مشکلات ابزارها و سیاست‌های بازاری می‌دهند. برای نمونه، اقتصاددانان طرفدار بازار آزاد، تجارت آزاد بین کشورها را موجب دستیابی به بهینه پرتو و بهبود وضع همه کشورها می‌دانند و به همین سبب آن را توصیه می‌کنند. این در حالی است که خود می‌پذیرند که هرچند تجارت آزاد ممکن است به بهینه پرتو بینجامد، ولی هر بهینه پرتویی عادلانه نیست. هرچند تجارت آزاد درآمد متوسط دو کشور را بالا می‌برد، ولی ممکن است موجب متضرر شدن افراد شود؛ ضرری که معمولاً جبران نمی‌شود. در چنین حالتی ما باید وارد قضاوت ارزشی شویم که منافع چه کسی مهم است؟

گذشته از آنکه اقتصاددانان در تعریف ارزش‌هایی همچون «عدالت» و «کارایی» و اولویت‌بندی آنها اتفاق نظر ندارند. اختلاف در اولویت‌بندی اهداف اقتصادی، تحلیل اقتصاددانان درباره راهبردهای توسعه را تحت تأثیر قرار داده است. این سؤال مطرح است که در برنامه‌ریزی توسعه، عدالت را هدف‌گذاری کنیم یا رشد را؟ در تعریف «عدالت» و اینکه - مثلاً - سهم مدیران و کارگران از بودجه دولتی چقدر است، توافق نظر چندانی وجود ندارد. در این زمینه تنها بر مفاهیم مبهمی همچون «کارایی نهایی» نیروی کار یا سرمایه تکیه می‌شود.

هرچند اقتصاددانان به ظاهر به تحلیل رابطه ابزارها و اهداف می‌پردازند، اما در عمل تحلیل ایشان دارای دو نوع ارزش‌داوری ابزاری و غیرابزاری است. برای نمونه، اقتصاددان براساس تجزیه و تحلیلش پرداخت یارانه را ارزشمند

می‌داند و توصیه می‌کند. وی پرداخت یارانه را ابزاری مناسب برای دستیابی به هدف عدالت توزیعی قلمداد می‌کند. در ضمن این ارزش‌دآوری ابزاری، به صورت ضمنی، او تحقق عدالت را هم ارزشمند می‌داند.

شکل ۱: ارزش‌دآوری ابزاری و غیرابزاری در نظریات اقتصادی



اقتصاددانان علاوه بر ارزش‌گذاری اقدامات اقتصادی یا وضعیت‌های اقتصادی، گاهی درگیر ارزش‌گذاری خصلت‌های رفتاری نیز می‌شوند. برای نمونه، آنها به صورت ضمنی عقلانیت‌عاملان اقتصادی را مطلوب قلمداد می‌کنند.

انواع ارزش‌دآوری در اقتصاد اسلامی

انواع ارزش‌دآوری در اقتصاد اسلامی در قالب دو نوع ارزش‌دآوری معرفتی و اخلاقی قابل طبقه‌بندی است.

جدول ۶: انواع ارزش‌دآوری در اقتصاد اسلامی

سوال ارزشی محوری	محورهای ارزش‌دآوری	نوع ارزش‌دآوری
چه معرفتی خوب و ارزشمند است؟	ملاک معرفت معتبر	معرفتی
چه ارزشی باید دنبال شود؟	تعیین اهداف، رتبه‌بندی اهداف، شاخص‌بندی	آزمایی
چه استانداردهای رفتاری مطلوب است؟	استانداردهای رفتار اقتصادی	رفتاری
چه ساختاری را برای تحقق ارزش‌ها ایجاد کنیم؟	قواعد حاکم بر حقوق مالکیت، مداخله دولت...	ساختاری
برای بهبود عملکرد نظام اقتصادی چه کنیم؟	توصیه سیاستی	سیاستی

۱. ارزش‌دآوری معرفتی

ارزش‌ها می‌توانند در مراحل گوناگون تحقیق، از جمله تصمیم بر انجام تحقیق، انتخاب موضوع تحقیق، روش تحقیق، کاربرد پژوهش و حتی محتوای نظریه تأثیر بگذارند (استنمارک، ۲۰۰۵a؛ استنمارک، ۲۰۰۵b). منظور از «ارزش‌های معرفتی» ارزش‌هایی همچون دقت در پیش‌بینی، دامنه، وحدت‌بخشی، قدرت‌تبیین، سادگی و همبستگی یک نظریه با سایر نظریه‌های علمی است که به صدق نظریه مربوط می‌شود. منظور از «ارزش‌های غیرمعرفتی»، ارزش‌هایی همچون ارزش‌های اخلاقی، شخصی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی است که (دست‌کم در بدو امر) به صدق نظریه علمی ارتباطی ندارند (ینگمائی، ۱۳۹۴).

جدول ۷: حوزه‌های ارزش‌داوری معرفتی

حوزه‌های ارزش‌داوری	نمونه
پرداختن به تحقیق	پرداختن به تحقیق به دلیل ارزشمند دانستن آن
انتخاب موضوع تحقیق	تحقیق در مورد نقش معنویت در رشد اقتصادی
روش تحقیق (توجه نظریه)	استفاده از روش کیفی و عدم اکتفا به روش‌های کمی
کاربرد نظریه	عدم استفاده از یافته‌ها برای پیشبرد منافع گروه‌های خاص
محتوای نظریه	برتری دادن نظریه تولید طیب به واسطه قدرت تبیین بالاتر

همان‌گونه که نظریه‌پردازی در اقتصاد متعارف متأثر از ارزش‌داوری معرفتی است، این امر در اقتصاد اسلامی نیز صادق است. نگاه معرفت‌شناختی اقتصاددان مسلمان می‌تواند بر انتخاب موضوع پژوهش و چگونگی بسط نظریه‌های اقتصاد اسلامی اثرگذار باشد. برای نمونه، برای محقق اقتصاد اسلامی تجزیه و تحلیل مقولاتی همچون «معنویت» و «اخلاق» و بررسی تأثیر آن بر رفتارها و عملکردهای اقتصادی از اولویت برخوردار است. در مقابل، محقق اقتصاد متعارف معمولاً چنین اولویت پژوهشی ندارد.

خود تعریف دانش «اقتصاد اسلامی» و تعیین قلمرو آن نیز متأثر از نوعی ارزش‌داوری معرفتی است که ریشه در ارزش‌داوری اخلاقی دارد. برخی از محققان اقتصاد اسلامی به واسطه نگاه ارزشی خاص خود، اقتصاد اسلامی را تنها عهده‌دار بررسی تخصیص منابع کمیاب به نیازهای بی‌شمار نمی‌دانند. از نگاه ایشان، اقتصاد نه تنها باید نگاهی جامع به اهداف داشته باشد و در کنار کارایی تخصیصی به عدالت توزیعی نیز توجه کند، بلکه باید نسبت به اهداف اجتماعی و فرهنگی نیز حساس باشد. در تعاریف اقتصاد اسلامی اهداف فرااقتصادی - همچون فلاح، خوشبختی، آرامش، ممانعت از تضعیف خانواده، تأمین نیازهای معنوی، صیانت و حفظ آزادی انسان، رشد اخلاقی - نیز برای نظام اقتصادی اسلام در نظر گرفته شده است (صدیقی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۰-۲۷۱). برای نمونه، یکی از محققان اقتصاد اسلامی در تعریف خود از این دانش می‌نویسد:

اقتصاد اسلامی دانشی است که به تحقق خوشبختی انسان از طریق تخصیص و توزیع منابع کمیاب به شکلی هماهنگ با مقاصد (شریعت) کمک می‌کند، بدون اینکه محدودیتی غیرضروری برای آزادی فردی ایجاد کند، موجب بروز عدم تعادل‌های مستمر اقتصاد کلان و اکولوژیکی شود و یا به تضعیف خانواده و استحکام روحیه اخلاقی جامعه بینجامد (چپرا، ۲۰۰۰، ص ۱۲۵).

رویکرد اقتصاددانان مسلمان نسبت به واقع‌گرایی نیز می‌تواند نوعی ارزش‌داوری معرفت‌شناختی دربر داشته باشد که نظریه‌های اقتصاد اسلامی را تحت تأثیر قرار دهد. برای نمونه، شهید صدر معتقد است: اقتصاد اسلامی به دنبال اصلاح واقعیت فاسد اقتصادی و نه تبیین واقعیت موجود است (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳۱). این رویکرد معرفت‌شناختی که می‌توان از آن با عنوان «رویکرد واقع‌گرایی اصلاحی» یاد کرد، الزاماتی برای اهداف دانش اقتصاد اسلامی و مسیر گسترش نظریه‌های آن دارد. بر این اساس، هدف از نظریه‌پردازی در علم اقتصاد اسلامی

تنها تبیین و پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی نیست، بلکه این دانش عهده‌دار بررسی چگونگی تغییر و اصلاح آنها نیز هست. زمانی که محقق علم اقتصاد اسلامی قانونمندی‌های حاکم بر تغییر واقعیت اقتصادی را کشف کند این قانونمندی‌ها زمینه‌ساز طراحی قواعد مکتبی خواهد شد که مسیر تغییر واقعیت اقتصادی را به سمت وضعیت مطلوب هموار می‌سازد (استفاده از یافته‌های علم اقتصاد اسلامی در مکتب اقتصادی اسلامی).

۲. ارزش‌داوری اخلاقی

در نظریه‌های اقتصاد اسلامی، ارزش‌داوری اخلاقی عمدتاً در چهار شکل ارزش‌داوری «آرمانی»، «رفتاری»، «ساختاری» و «سیاستی» صورت می‌گیرد.

الف) ارزش‌داوری آرمانی

ارزش‌های آرمانی اهداف نظام اقتصادی اسلام، رتبه‌بندی آنها و همچنین شاخص‌های اقتصادی را شامل می‌شود. در اقتصاد اسلامی هدف نهایی کمال و خوشبختی انسان در سایه قرب الهی است. عدالت، رفاه و آزادی نیز در زمره اهداف میانی نظام اقتصادی اسلام قرار می‌گیرد. تعریف خاص اسلام از این اهداف و ارزش‌ها، زمینه‌ساز معرفی شاخص‌های اسلامی - همچون شاخص «عدالت» - می‌شود. در فضای مطالعات اقتصادی عملاً ارزش‌های آرمانی خود را در قالب شاخص‌ها نمایان می‌کنند.

ب) ارزش‌داوری رفتاری

فرض عقلانیت اقتصادی بیانگر یک ارزش‌داوری رفتاری مقبول در فضای تحلیل است که در انتها تأیید نیز می‌شود. فرض عقلانیت اقتصادی با برجسته کردن انگیزه‌های خودخواهانه در انسان، توجه‌چندانی به انگیزه‌های خیرخواهانه در استاندارد رفتاری مفروض ندارد. این در حالی است که در اقتصاد اسلامی، آن استاندارد رفتاری پیش‌فرض گرفته می‌شود که به همه ظرفیت‌های انگیزشی انسان توجه دارد؛ هم انگیزه‌های خودخواهانه و هم انگیزه‌های خیرخواهانه. البته به این نکته نیز توجه می‌شود که عقلانیت ناقص انسان وی را در معرض انتخاب‌های نادرست قرار می‌دهد؛ مشکلی که می‌تواند با توجه به محدودیت‌های شناختی، انگیزشی و اردای انسان کاهش یابد. آنچه از آن می‌توان با عنوان «عقلانیت تکامل‌یافته» یاد کرد، استاندارد رفتاری مطلوب در اقتصاد اسلامی است. علم اقتصاد اسلامی ضمن تحلیل مشکلات افراد در دستیابی به این استاندارد رفتاری، چگونگی نزدیک کردن افراد به این استاندارد رفتاری و نهادینه کردن اخلاق و معنویت در اقتصاد را بررسی می‌کند.

ج) ارزش‌داوری ساختاری

یکی از نهفته‌ترین ارزش‌داوری‌های اخلاقی در اقتصاد توصیه‌های ساختاری است. در اقتصاد متعارف، ساختارهایی مانند ساختار بازار آزاد، ساختار بازار رقابتی، و یا ساختار نظام بانکی ربوی پیش‌فرض گرفته می‌شود، ولی در نهایت این ساختارها توصیه و تجویز می‌شوند. بسیاری از این ساختارها، ساختارهای آرمانی می‌باشند. ساختار بازار رقابت

کامل یکی از این نمونه‌هاست که نقشی کلیدی در تحلیل‌های اقتصاد خرد دارد. در اقتصاد اسلامی نیز ورود به تحلیل علمی بدون مفروض گرفتن ساختارها و به‌ویژه ساختارهای ایده‌آل ممکن نیست. ساختار مطلوب نهادی مزبور شامل ساختارهای حقوق مالکیت، سازوکار تخصیص منابع و شیوه توزیع و بازتوزیع درآمد و ثروت می‌شود. اقتصاددانان مسلمان علاقه دارند یک ساختار نظام بازاری اخلاقی را پیش‌فرض تحلیل‌های خود بگیرند و با به‌جای فرض گرفتن یک ساختار بانکداری ربوی، وجود یک نظام بانکداری بدون ربا را پیش‌فرض بگیرند.

د) ارزش‌داوری سیاستی

این نوع ارزش‌داوری در مرحله‌ای پس از ارزش‌داوری ساختاری قرار دارد. در این حالت معمولاً ساختارها و استانداردهای رفتاری مفروض گرفته می‌شود؛ سپس تحلیل می‌گردد که چه سیاستی می‌تواند به بهبود عملکرد نظام اقتصادی و رفع مشکلات آن کمک کند. برای نمونه، سیاست‌های پولی و مالی به‌طور معمول در یک ساختار بازاری و با فرض عقلانیت فعالان اقتصادی معرفی می‌شود.

سه مرحله اخیر از ارزش‌داوری اخلاقی هویتی ابزاری دارد؛ بدین معنا که اقتصاددان قضاوت می‌کند که ساختار، استاندارد رفتاری و سیاست اقتصادی موجود یا پیشنهادی تا چه حد بر تحقق آرمان‌های نظام اقتصادی مؤثر است. به‌بیان دیگر، در این ارزش‌داوری ابزاری به ارزیابی میزان و چگونگی تحقق آرمان‌های نظام اقتصادی اسلام در ساختار پیشنهادی و با توجه به استانداردهای رفتاری مفروض می‌پردازد. سؤال این است که نظام اقتصادی طراحی شده تا چه حد می‌تواند اهداف و ارزش‌های تعیین شده - همچون رشد و عدالت اقتصادی - را محقق کند.

محققان اقتصاد اسلامی در بررسی ظرفیت‌های نظام اقتصادی اسلام برای دستیابی به اهدافش، تحلیل‌هایی ارائه داده‌اند. برای نمونه، شهید صدر حذف ربا از نظام بانکی و استفاده از قالب مضاربه در رویکرد اسلامی را موجب تحقق همزمان مصالح بانک‌ها و مصالح اجتماعی می‌داند (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۳۳). همچنین چیرا با معرفی سازوکار تسویه اخلاقی در اقتصاد اسلامی به ظرفیت «دست نامرئی اخلاق» در کاهش تقاضاهای غیرضروری در اقتصاد اسلامی اشاره می‌کند؛ ظرفیتی که کارکرد بازار را تقویت می‌کند (چیرا، ۲۰۱۴، ص ۴۶). در اینجا ارزش‌داوری اخلاقی از نوع ارزش‌داوری ابزاری است؛ یعنی محقق اقتصاد اسلامی در پی ارزیابی میزان موفقیت نظام اقتصادی اسلام یا خرده‌نظام‌های آن، از جمله «نظام بانکداری بدون ربا» است. در این زمینه محقق اقتصاد اسلامی تحلیل خود را این‌گونه ارائه می‌دهد که اگر اخلاق اسلامی در جامعه نهادینه شود، آثار آن در بهبود کارکرد نظام اقتصادی و تسریع پیشرفت اقتصادی ظاهر می‌شود. این همان مضمونی است که در آیه ۹۶ سوره «اعراف» وارد شده که ایمان و تقوا موجب نزول برکات آسمان و زمین می‌شود.

در اقتصاد رفاه متعارف، عمدتاً سعی می‌شود تا کارایی نظام بازار آزاد با استفاده از شاخص‌هایی همچون بهینه و بهبود پرتو مستدل گردد. در چنین تحلیلی، سایر ارزش‌ها - از جمله عدالت و امنیت اقتصادی - محور بررسی نیست. اما در ارزیابی کارکرد نظام اقتصادی اسلامی باید اثر آن بر تحقق منظومه‌ای از ارزش‌های

اقتصادی و فرااقتصادی مطمح‌نظر قرار گیرد. در این تحلیل حتی ارزش عدالت و امنیت اقتصادی نیز با توجه به ارزش والاتری همچون دستیابی انسان به کمال و قرب الهی ارزیابی می‌شود. از این‌رو، ارزیابی نظام اقتصادی اسلام تنها با توجه به اهداف اقتصادی صورت نمی‌گیرد، بلکه تحقق این اهداف ابزاری برای تحقق اهداف والاتری همچون تکامل بشر واقع می‌شود.

ارزش‌دآوری اخلاقی در زمینه سیاست‌ها در اقتصاد اسلامی از نوع قضاوت و توصیه ارزشی ابزاری - قضاوت درباره میزان تناسب این سیاست یا اقدام با ارزش‌ها و اهداف مطمح‌نظر - است. برای نمونه، محقق اقتصاد اسلامی تعلیم و تربیت اقتصادی را ابزار خوبی برای نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی کسب و کار می‌داند و الزامی کردن دوره‌های اخلاق کسب و کار برای فعالان اقتصادی را ابزار خوبی برای تحقق ارزش‌های اسلامی در فضای کسب و کار برمی‌شمرد. خوب و اخلاقی دانستن سیاست و اقدام پیشنهادی یک توصیه ارزشی است که متضمن قضاوت درباره خوب بودن این ابزار برای دستیابی به آن ارزش یا هدف است.

تمایز ورود ارزش در مکتب و علم اقتصاد اسلامی

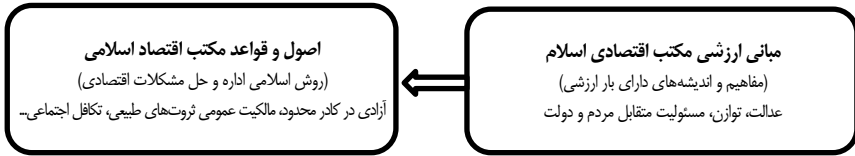
تفاوت ورود ارزش‌ها در مکتب و علم اقتصاد اسلامی نتیجه تمایز مفهومی آنهاست. شهید صدر، مبدع تفکیک مکتب و علم اقتصاد، مکتب اقتصادی جامعه را روشی می‌داند که جامعه تبعیت از آن را در زندگی اقتصادی می‌پذیرد و از آن برای حل مشکلات عملی استفاده می‌کند. در مقابل، ایشان علم اقتصاد را عهده‌دار تبیین زندگی، پدیده‌ها و رویدادهای اقتصادی و رابطه این پدیده‌ها و رویدادها با اسباب و عوامل عمومی حاکم بر آنها می‌داند (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۲۸-۲۹).

مکتب اقتصادی روش خاصی است که باید اقتصاد جامعه را براساس آن سامان داد تا رفاه و سعادت اقتصادی موردنظر به دست آید. اما علم اقتصاد به بررسی قوانین حاکم بر جامعه دارای زندگی اقتصادی می‌پردازد. مکتب اقتصادی از سنخ تصمیم به عمل و تغییر است و علم پدیده‌های اقتصادی را بدون دخل و تصرف ثبت و تجزیه و تحلیل می‌کند (همان، ص ۲۲۵).

الف. ارزش‌دآوری در مکتب اقتصاد اسلامی

مکتب اقتصادی اسلام به‌مثابه «روش اسلامی اداره و حل مشکلات اقتصادی جامعه»، بر مبنای «ارزش عدالت» متأثر از مبانی فکری اسلامی (همان) از جمله رویکرد اخلاقی و ارزشی اسلام است. مهم‌ترین مبنای ارزشی اثرگذار بر مکتب اقتصادی اسلام، رویکرد اسلام نسبت به عدالت است (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۱ و ۳۸۳). تعریف اسلام از «عدالت» و «حلال» و «حرام» نیز متضمن ارزش‌های منظور اسلام است (همان، ص ۳۸۳-۳۸۴). این بدان معناست که روش اسلامی اداره اقتصاد و حل مشکلات اقتصادی روشی است که در پی دستیابی به عدالت منظور اسلام است و از ضوابط حلال و حرام تبعیت می‌کند.

شکل ۲: رابطه مکتب اقتصاد اسلامی و ارزش‌ها



مبانی ارزشی مکتب اقتصادی اسلام شامل تعریف و رتبه‌بندی اهداف نظام اقتصادی اسلام و شاخص‌های اقتصادی است. این مبانی ارزشی الزاماتی برای تعیین ساختارها، سیاست‌ها و ابزارهای اقتصادی دارد. این الزامات در قالب قواعد حاکم بر اداره اقتصاد جامعه اسلامی ظاهر می‌شوند. قواعد اسلامی حاکم بر مالکیت، آزادی اقتصادی (همان، ص ۲۹۵-۳۰۵)، برداشت از ثروت‌های طبیعی، سهم‌بری عوامل تولید، توزیع ثروت در جامعه و همچنین وظایف دولت اسلامی متأثر از ارزش‌دوایی‌های اخلاقی اسلام است (صدر، بی تا، ج ۵، ص ۸۲-۱۱۴).

جدول ۸: مبانی ارزشی و اثر آن بر قواعد حاکم بر اقتصاد

مبانی ارزشی	قواعد حاکم بر ساختارها، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی
تعیین اهداف نظام اقتصادی،	آزادی در کادر محدود
تعریف اهداف نظام اقتصادی (مانند عدالت)	مالکیت عمومی ثروت‌های عمومی
رتبه‌بندی اهداف نظام اقتصادی	تکافل اجتماعی
شاخص‌های اقتصادی	لزوم مداخله دولت برای حفظ توازن اقتصادی

نگرش اسلام به عدالت و دایره مسئولیت‌های دولت و مردم (مبانی ارزشی) یکی از ارزش‌های محوری اثرگذار بر روش مدیریت اقتصادی در اسلام است. در رویکرد اسلامی، عدالت مستلزم رعایت استحقاق افراد بر مبنای دو معیار «کار» و «نیاز» است (صدر، ۱۴۰۰ق، ص ۳۴۸). به همین سبب، افراد تنها با انجام کار اقتصادی نسبت به ثروت‌های طبیعی استحقاق پیدا می‌کنند. همچنین روش‌های احتکاری در بهره‌برداری از منابع طبیعی برای افراد حقی ایجاد نمی‌کند. نیز چون برقراری عدالت بخشی از مسئولیت مشترک دولت و مردم است، اسلام تحقق عدالت اقتصادی را تنها بر دوش دولت نمی‌گذارد، بلکه آحاد مردم را نیز نسبت به آن مسئول می‌داند. این نگاه ارزشی نسبت به مسئولیت‌های دولت و مردم موجب طراحی نظام تأمین اجتماعی اسلامی براساس دو اصل «کفالت همگانی» (تکافل اجتماعی) و «سهیم بودن جامعه در درآمدهای دولتی» می‌شود (همان، ص ۶۹۷). این امر به معنای اثرپذیری سیاست‌های مالی دولت اسلامی، به‌مثابه بخشی از مکتب اقتصادی اسلام، از ارزش‌دوایی‌های اخلاقی اسلام در خصوص دایره مسئولیت دولت و مردم در فقرزدایی است. براین اساس، ترویج تکافل اجتماعی و گسترش مشارکت مردمی در تأمین اجتماعی از جمله سیاست‌های مالی دولت اسلامی به‌شمار می‌آید (همان). با توجه به اینکه اسلام توازن اجتماعی را یکی از محورهای عدالت می‌داند، این رویکرد ارزشی نیز الزاماتی برای چگونگی اداره اقتصاد جامعه اسلامی دارد. ارزش‌گذاری توازن اجتماعی در اسلام مستلزم آن

است که دولت با طراحی سیاست‌های گوناگون از جمله وضع مالیات‌های حکومتی برای کاستن از شکاف طبقاتی اقدام کند (صدر، بی‌تا، ج ۵، ص ۸۲-۱۱۴).

اولویت‌بندی اهداف دولت اسلامی در مکتب اقتصادی اسلام نیز متأثر از ارزش‌دوری اخلاقی در زمینه سلسله‌مراتب ارزش در رویکرد اسلامی است. همان‌گونه که بیان شد، اولویت‌بندی ارزش‌ها با توجه به اهمیت آنها در دستیابی بشر به هدف غایی از خلقش که همان قرب الهی است، صورت می‌گیرد. این اولویت‌بندی گاهی در قالب رتبه‌بندی مقاصد شریعت مطرح شده است. در رویکرد مقاصد شریعتی، اولویت اهداف به ترتیب حفظ دین اسلام، حفظ جان انسان‌ها، حفظ تعالی انسان‌ها و حفظ و رشد بهزیستی مادی افراد معرفی شده است. در اولویت‌بندی این اهداف نیز اولویت - به ترتیب - به ضروریات، حاجیات، و تحسینات اختصاص یافته است. در کنار مباحث اولویت‌بندی ضوابطی نیز برای وزن‌دهی به اهداف مطرح شده است. در این زمینه، اولویت‌بندی سیاست‌ها و طرح‌ها باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که بیشترین منفعت اجتماعی در گسترده‌ترین قلمرو مکانی و زمانی محقق شود. ترسیم شاخص‌های اقتصادی در مکتب اقتصادی اسلام نیز بعد دیگری از ارزش‌دوری در مکتب اقتصادی اسلام را منعکس می‌کند. شاخص‌های اقتصادی هرچند ظاهری توصیفی دارند، ولی دارای بار ارزشی‌اند؛ زیرا این شاخص‌ها عملاً ابزاری برای ارزیابی وضعیت موجود و نسبت‌سنجی آن با وضعیت مطلوب‌اند.

درواقع، روش‌ها و سیاست‌های پیشنهادی مکتب اقتصادی اسلام برای اداره اقتصاد جامعه و حل مشکلات اقتصادی آن، راه‌کارهایی برای دستیابی به ارزش‌های اخلاقی - همچون عدالت و توازن اقتصادی - به‌شمار می‌آیند. از این رو، ارزش‌دوری در مکتب اقتصادی اسلام تنها ارزش‌دوری در زمینه اهداف نیست، بلکه حاوی ارزش‌دوری ابزاری در خصوص روش‌ها نیز می‌باشد. اقتصاددان قضاوت می‌کند که این ساختار، سیاست یا برنامه ما را به اهداف تعیین شده می‌رساند یا خیر. هنگامی که اقتصاددانان می‌خواهند درباره این توصیه‌ها قضاوت کنند، به‌شکلی آگاهانه یا ناآگاهانه تحت تأثیر ارزش‌های اخلاقی مقبول خود قرار می‌گیرند. برای نمونه، طرفداران نظام بازار آزاد عمدتاً به سمت ارائه توصیه‌هایی می‌روند که با ارزش‌محوری آزادی هماهنگ باشد. برای نمونه، وقتی اقتصاددانان درباره شیوه حمایت از اقشار آسیب‌پذیر سخن می‌گویند، عمدتاً از پرداخت پولی حمایت می‌کنند، حتی زمانی که پرداخت کالایی مرجح باشد علت این سوگیری اقتصاددانان این است که آنها پرداخت نقدی را با اقتضات ارزش آزادی هماهنگ‌تر می‌بینند.

ارزیابی تأثیر ساختارها، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی بر تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام، با استفاده از شاخص‌هایی همچون بهینه پرتو صورت می‌گیرد. شاخص‌های اقتصادی تنها ابزارهای خنثایی برای سنجش امور اقتصادی نیستند، بلکه آنها حاوی نوع قضاوت ارزشی درباره وضعیت‌ها و فعالیت‌ها می‌باشند. برای نمونه، هنگامی که شاخص تولید ناخالص داخلی معرفی می‌شود، این شاخص به‌صورت ضمنی بیانگر آن است که افزایش این شاخص مطلوب است. بر همین اساس، از تغییرات شاخص تولید ناخالص داخلی با عنوان «ترخ رشد اقتصادی» یاد

می‌شود که از نظر ارزشی بار مثبت دارد. در مقابل این شاخص، «شاخص تولید ناخالص داخلی طیب» قابل تعریف است؛ شاخصی برای سنجش ارزش کالاها و خدمات طبیعی است که در طول دوره معین تولید شده است. مراد از «کالاها و خدمات طیب» اقلامی است که حلال و پاک باشد و موجب بروز زیان‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی - اخلاقی نشود. به‌منظور دستیابی به تولید پاک، ارزش کالاها و خدمات غیرطیب و همچنین هزینه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی - اخلاقی تولید از شاخص متعارف تولید ناخالص داخلی کسر می‌شود. در مقابل منافع زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی - اخلاقی تولید نیز به شاخص مزبور اضافه می‌شود (توکلی و شفیع‌نژاد، ۱۳۹۱؛ توکلی و شفیع‌نژاد، ۱۳۹۸، ص ۱۱۱-۱۱۴).

ب. ورود ارزش در علم اقتصاد اسلامی

ورود ارزش به علم اقتصاد اسلامی نیز با تفکیک بین تحلیل ارزشی و ارزش‌دوری (معرفتی و اخلاقی) قابل تبیین است. در تحلیل ارزشی، ارزش‌ها به‌مثابه یک متغیر تحلیلی وارد نظریه می‌شوند (مانند تأثیر ارزش‌ها بر رفتار مصرف‌کننده مسلمان). ارزش‌های معرفتی مقبول محققان اقتصاد اسلامی نیز بر تعیین موضوع پژوهش، رویکرد و روش آن اثر می‌گذارد. ارزش‌دوری اخلاقی نیز در قالب موضوعاتی همچون ترسیم وضعیت‌های ایده‌آل وارد تحلیل علم اقتصاد اسلامی می‌شوند.

اول. تحلیل ارزشی

یکی از سطوح ورود ارزش در نظریه‌های علم اقتصاد اسلامی، تحلیل تأثیر ارزش‌ها بر رفتار و عملکرد اقتصادی است. در نظریه‌های رفتاری اقتصاد خرد اسلامی همانند نظریه رفتار مصرف‌کننده، نقش ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی بر انتخاب افراد تجزیه و تحلیل می‌شود. این تحلیل ارزشی در اقتصاد متعارف در قالب فروضی همچون اصل «عقلانیت اقتصادی» و اصل «حداقل خیرخواهی» صورت می‌گیرد. فرض عقلانیت همانند یک اسب تراوا تعهدات اخلاقی را مخفیانه وارد دژ نظری اقتصاد اثباتی متعارف می‌کند (هاسمن و مک فرسون، ۲۰۰۶، ص ۶۸۶۷). پذیرش نظریه «رفاه متعارف» که در آن رفاه معادل برآورده‌شدن ترجیحات دانسته شده، محدودیتی برای اقتصاد اثباتی ایجاد می‌کند. معادل دانستن رفاه و برآورده‌شدن ترجیحات زمانی معقول است که فرض کنیم افراد عاقل در پی نفع شخصی، دارای اطلاعات کامل و فاقد ترجیحات نامعمول باشند. این در حالی است که این برابری همیشه برقرار نیست. اگر مردم در اثر فریب تبلیغاتی چیزی را ترجیح دهند، برآورده‌شدن ترجیحات الزاماً موجب رفاهشان نمی‌شود. اقتصاددانان به واسطه برابر دانستن ترجیحات و رفاه، به سراغ بحث از چگونگی شکل گرفتن ترجیحات نمی‌روند؛ شاید بدین علت که چنین مطالعه‌ای با رویکرد هنجاری مقبول آنها ناسازگار است (همان، ص ۶۸).

هرچند در علم اقتصاد، عقلانیت یک فرض اثباتی معرفی می‌شود، اما عقلانیت یک استاندارد رفتاری است؛ نوعی ارزش و هنجار است که فرض می‌شود انتخاب‌کنندگان از آن تبعیت می‌کنند. در اقتصاد خرد عقلانیت یک

ارزش رفتاری فرض می‌شود - در مقابل، تبعیت افراد از سایر ارزش‌های رفتاری - مانند اخلاق - یا انکار می‌شود یا نادیده گرفته می‌شود. جای این سؤال باقی است که چرا در اقتصاد خرد فرض نمی‌شود که افراد اخلاقی عمل می‌کنند. اقتصاددانان شاید پاسخ دهند که این فرض را از مشاهده رفتار واقعی افراد استنتاج کرده‌اند. این پاسخ درست نیست؛ زیرا شواهد تجربی زیادی حکایت از تأثیر اخلاق بر انتخاب افراد دارد. *آمارتیا سن* در بیانی مشابه اظهار می‌دارد: «می‌توان از اقتصاد جدید به خاطر اینکه رفتار واقعی و رفتار عقلایی را یکی گرفته انتقاد کرد» (سن، ۱۳۷۷، ص ۱۲). سن می‌پرسد: «چرا باید عقلانی بودن منحصراً تعقیب نفع شخصی به معنای حذف تمام دیگر اهداف تعریف شود؟» (همان، ص ۱۶-۱۷).

صرف نظر از تعریف «عقلانیت» و نسبت‌سنجی آن با اخلاق، نوعی ارزش‌داوری ضمنی نسبت به آن در اقتصاد خرد وجود دارد. هرچند «عقلانیت اقتصادی» فرضی اثباتی در اقتصاد خرد معرفی می‌شود، در انتها وجود آن مطلوب قلمداد می‌گردد؛ زیرا نتیجه انتخاب افراد برخوردار از عقلانیت اقتصادی در سایه عملکرد دست‌نامرئی بازار، رقابت کامل مطلوب قلمداد می‌شود. در واقع، اقتصاددانان به صورت ضمنی می‌گویند: عقلانیت اقتصادی خوب است؛ زیرا نتایج خوبی (تحقق رفاه) دارد. این بدان معناست که عقلانیت به مفهوم بیشینه‌سازی نفع شخصی در نهایت، منافع جامعه را نیز به دنبال خواهد داشت که امری مطلوب و ارزشمند است. این رویکرد با چند مشکل مواجه است:

اول. این تفسیر ایده‌آل از عقلانیت انسان با واقعیت تطبیق نمی‌کند. عقلانیت افراد محدود است. افراد نه تنها از ضعف‌های شناختی رنج می‌برند، بلکه در مقابل وسوسه‌های زودگذر نیز توانایی کامل ندارند. این نکته در قالب فرض جدید عقلانیت محدود در نظریات اقتصاددانان نهادگرا و رفتاری منعکس شده است؛ فرضی که می‌تواند نظریات اقتصادی را دستخوش تغییر کند.

دوم. «انتخاب عقلایی» به مفهوم برآورده شدن ترجیحات، الزاماً منجر به رفاه نمی‌شود.

رویکرد متفاوت اقتصاددانان مسلمان به عقلانیت اقتصادی نیز رویکرد ارزشی اسلام را وارد نظریات اقتصاد اسلامی اثباتی می‌کند. در نگاه اسلامی، از یک سو، به مشکلات بشر در انتخاب عقلایی توجه شده (عقلانیت ناقص) و از سوی دیگر، بر ظرفیت انسان برای بهره‌مندی از عقلانیت تکامل‌یافته تأکید شده است. عقلانیت ناقص انسان ریشه در مشکلات شناختی و انگیزشی بشر دارد. قرآن در سوره «عصر» بر این نکته تأکید می‌کند که «انسان‌ها همه در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند» (عصر: ۲-۳).

اسلام با در نظر گرفتن محدودیت‌های بشر در انتخاب عقلایی، راه برطرف کردن این ضعف‌ها را از یک سو، در تقویت قدرت شناختی بشر و از سوی دیگر، در کنترل هوای نفس در سایه تهذیب اخلاقی می‌داند. در رویکرد اسلامی، تقویت قدرت شناختی انسان با گسترش نگاه او نسبت به گستره زندگی و در نظر گرفتن دنیا و آخرت صورت می‌گیرد. مشکل عقلانیت امیال و تبعیت از هواهای نفسانی نیز نیازمند ورود عنصر اخلاق و معنویت در تجزیه و تحلیل‌های عقلانی بشر است. پیوند عقلانیت با اخلاق و معنویت زمینه‌ساز تحقق نوعی عقلانیت تکامل‌یافته و متعالی است.

انسان اقتصادی برخوردار از عقلانیت تکامل یافته می‌تواند با دستیابی به اطلاعات مناسب، مدیریت امیال و جست‌وجوی بهترین ابزار برای تأمین نیازها، بر مشکل عقلانیت ناقص غلبه کند. چنین انسانی تحت تعالیم اسلامی از باورها و امیال عقلانی برخوردار است و در انتخاب ابزارها برای تحقق امیالش، عقلایی عمل می‌کند (عقلانیت باورها، امیال و ابزارها). چون انسان اقتصادی برخوردار از عقلانیت تکامل یافته دارای انگیزه‌های خودخواهانه و خیرخواهانه است، عقلایی بودن امیال مستلزم آن است که این امیال در جهت تحقق هدف نهایی از خلقت بشر (تکامل انسان در مسیر قرب الهی) قرار گیرد. عقلانیت تکامل یافته مستلزم آن است که افراد هنگام انتخاب، منافع مادی و معنوی خود را در نظر گیرند و تلاش خود را تنها محدود به منافع این جهانی نکنند، بلکه منافع اخروی را نیز در انتخاب‌های خود در نظر بگیرند.

انسان برخوردار از عقلانیت کامل، باورها و امیالی عقلایی دارد. وی به واسطه اعتقاد به خداوند و زندگی پس از مرگ فعالیت‌های اقتصادی خود را بر اساس قواعد حقوقی و اخلاقی اسلام مدیریت می‌کند. در چنین فضایی، اخلاق و معنویت به‌عنوان فیلتر امیال عمل می‌کند، پیش از آنکه این امیال در معرض فیلتر بازاری قرار گیرد. از چنین عقلانیتی می‌توان با عنوان «عقلانیت معنوی» نیز یاد کرد. دستیابی به عقلانیت معنوی نیازمند تعلیم و تربیت اقتصادی عاملان اقتصادی است. اسلام با طراحی‌های خاص خود سعی در دمیدن روح معنویت در انسان دارد. تلقی فعالیت اقتصادی به مثابه عبادت خداوند، تقویت فرهنگ تولید حلال و پاک و ایجاد نهادهای اجتماعی - اقتصادی (همچون زکات) از جمله راهبردهای اسلام در این زمینه است.

دوم. ارزش‌داوری معرفتی

ارزش‌داوری معرفتی در علم اقتصاد اسلامی می‌تواند از مجرای انتخاب موضوع تحقیق و روش آن صورت گیرد. برای نمونه، برای محقق اقتصاد اسلامی تجزیه و تحلیل مقولاتی همچون معنویت و اخلاق و بررسی تأثیر آنها بر رفتارها و عملکردهای اقتصادی از اولویت برخوردار است. نمونه دیگری از تأثیر ارزش‌های معرفت‌شناختی بر علم اقتصاد اسلامی، رویکرد شهید صدر نسبت به واقع‌گرایی است. در رویکرد «واقع‌گرایی» مقبول شهید صدر، که از آن می‌توان با عنوان «رویکرد واقع‌گرایی اصلاحی» یاد کرد، علم اقتصاد اسلامی تنها به دنبال تبیین واقعیت موجود نیست، بلکه درصدد اصلاح واقعیت فاسد اقتصادی است. این رویکرد معرفت‌شناختی الزاماتی برای علم اقتصاد اسلامی دارد تا مسیر تغییر واقعیت و قانونمندی‌های آن را کشف کند. این قانونمندی‌ها زمینه‌ساز طراحی قواعد مکتبی خواهد بود تا مسیر تغییر واقعیت اقتصادی را به سمت وضعیت مطلوب هموار سازد.

سوم. ارزش‌داوری اخلاقی

ارزش‌داوری اخلاقی در علم اقتصاد اسلامی به گونه‌های متعددی قابل شکل‌گیری است. یکی از آنها مفاهیم و تعاریف دارای بار ارزشی در علم اقتصاد اسلامی است. مفاهیمی همچون «تعادل» و «بیکاری اختیاری» نشان‌دهنده

رویکردی ارزشی در اقتصاد خرد متعارف است. «تعادل» حاکی از وضعیت مطلوبی است که در آن به تمام تمایلات تقاضاکنندگان و عرضه‌کنندگان پاسخ داده می‌شود. «اختیاری بودن» در بیکاری اختیاری نیز آشکارا مفهومی اخلاقی و توصیفی است که با مفهیم اخلاقی دیگری مانند محرومیت، اجبار و مسئولیت ارتباط دارد. کسانی که بیکاری را امری غیراختیاری در نظر می‌گیرند، می‌خواهند تأکید کنند که این کارگر بدون هیچ تقصیری فاقد شغل است. به همین سبب می‌گویند: دولت باید در این زمینه چاره‌جویی کند. در مقابل، کسانی که بیکاری را اختیاری می‌دانند معتقدند: به هر حال فرد می‌تواند کاری پیدا کند، اگر به دستمزد پایین تن دهد. این برداشت موجب می‌شود که طرفداران این دیدگاه این بیکاری را طبیعی بدانند و از لزوم عدم مداخله دولت دفاع کنند (هاسمن و مک فرسون، ۲۰۰۶، ص ۲۷۴-۲۷۵).

مقوله «بیکاری غیراختیاری» را می‌توان در چارچوب اقتصاد اسلامی با توجه به مفهوم‌شناسی «اختیار» و مؤلفه‌های ارزشی تعیین کرد. غیراختیاری بودن بیکاری با مفهوم «شأن» مرتبط است. اگر در مقابل کارگر بیکار فرصت شغلی باشد که با شأن و موقعیت او هماهنگ نباشد این بیکاری را نمی‌توان بیکاری دانست. انجام کار با دستمزدی ناعادلانه را نیز می‌توان مصدق بیکاری غیراختیاری دانست.

در تعیین اشتغال در مقابل بیکاری نیز نوعی ارزش‌دوری ضمنی نهفته است. در شاخص‌های اقتصادی، کسی که یک ساعت در هفته کار داشته باشد، شاغل محسوب می‌شود. این در حالی است که شاغل بودن با تأمین نیازهای فرد مرتبط است. در رویکرد اسلامی، درآمد حد کفاف می‌تواند بر تعریف اشتغال اثر بگذارد. براین اساس، «شاغل» کسی قلمداد می‌شود که از درآمد مکفی برای تأمین نیازهایش برخوردار باشد.

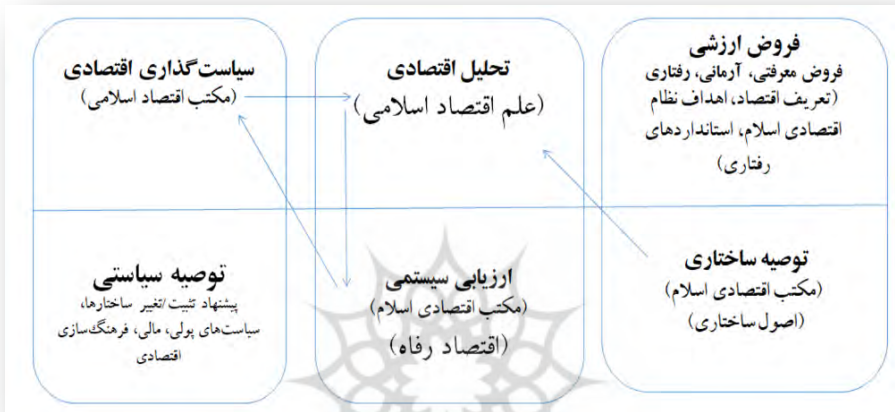
یکی دیگر از مصادیق ارزش‌دوری در اقتصاد اثباتی، الگوهای آرمانی، همچون رقابت کامل است. اقتصاددانان به صورت ضمنی نگرشی مثبت به رقابت کامل دارند. آنها هرچند رقابت کامل را پیش‌فرض می‌گیرند، ولی اساساً رقابت را امر مطلوبی قلمداد می‌کنند. برخی محققان اقتصاد اسلامی با ابراز تردید در این زمینه رقابت مسئولانه و تعاون (تعاون در درون اقتصاد جامعه اسلامی و رقابت مسئولانه در خارج سیستم) را الگویی مطلوب می‌دانند (یوسفی، ۱۳۹۴، ص ۳۳۴-۳۴۰).

چرخه ورود ارزش‌ها در اقتصاد اسلامی

برای فهم بهتر چگونگی ورود ارزش‌ها در اقتصاد اسلامی، تحلیل چرخه ورود نظام‌مند ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی با توجه به ترابط بین مکتب و علم اقتصاد اسلامی ضروری است. چرخه ورود ارزش‌ها در اقتصاد اسلامی با فروض ارزشی آغاز می‌شود، با توصیه‌های ساختاری و ارزیابی سیستمی ادامه پیدا می‌کند و به توصیه ارزشی منتهی می‌گردد. در این نگرش نظام‌مند تنها به ورود ارزش‌ها در یک نظریه توجه نداریم، بلکه به چگونگی ورود مجموعه نظام‌مندی از ارزش‌ها در مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از نظریه‌های اقتصاد اسلامی نظر داریم.

ورود ارزش‌ها به اقتصاد اسلامی از مجرای فروض ارزشی حاکی از ارزش‌های معرفتی و اخلاقی آغاز می‌شود. سپس اقتصاددانان ساختارهای مطلوب برای دستیابی به این اهداف را به‌عنوان ابزارهایی برای حفظ یا تغییر وضعیت موجود فرض گرفته یا تجویز می‌کنند (فرض یا توصیه ساختاری). در ادامه ارزیابی، کارکرد ساختارهای پیشنهادی در چارچوب فروض رفتاری برای دستیابی به اهداف موردنظر ارزیابی می‌شود (ارزیابی سیستمی). تجویز سیاست‌های اقتصادی در چارچوب ساختارهای پذیرفته‌شده با بهره‌مندی از قواعد رفتاری اقتصاد اثباتی، تکمیل‌کننده چرخه ورود ارزش به اقتصاد اسلامی است (توصیه سیاستی).

شکل ۳: چرخه ورود ارزش‌ها در اقتصاد اسلامی



یک. فروض ارزشی

ورود نظام‌مند ارزش‌ها در اقتصاد اسلامی با تعیین فروض ارزشی معرفتی و اخلاقی آغاز می‌شود. فروض ارزشی معرفتی در همان ابتدای شکل‌گیری پژوهش بر تعیین موضوع پژوهش و روش آن اثرگذار است. فروض ارزشی اخلاقی دربردارنده فروض آرمانی (ارزش‌های منظور نظام اقتصادی)، ساختاری (ساختار مطلوب برای دستیابی به آرمان‌ها) و رفتاری (استاندارد رفتار مطلوب عامل اقتصادی، مانند فرض عقلانیت اقتصادی) است.

دو. فروض معرفتی

گاهی فروض ارزشی در ضمن تعریف دانش اقتصاد وارد می‌شود. هنگامی که اقتصاددانان «اقتصاد» را به دانش تخصیص منابع کمیاب به نیازهای بی‌شمار تعریف می‌کنند، عملاً ارزش پاسخ‌گویی به نیازهای بی‌شمار و همچنین کارایی را مفروض گرفته‌اند و هیچ‌گونه جهت‌گیری نسبت به عدالت توزیعی نکرده‌اند. در این تعریف مشخص نیست که منابع کمیاب باید برای برآورده شدن کدام نیازها تخصیص داده شود. در اقتصاد متعارف معمولاً به ارزش‌ها تصریح نمی‌شود و به صورت پیش‌فرض‌های مخفی نگه داشته می‌شوند؛ ولی این پیش‌فرض‌های ارزشی منطقاً وجود دارند و مقدم بر تحلیل سیستم می‌باشند.

سه. فروض آرمانی

فروض آرمانی فروض ارزشی مرتبط با اهداف نظام اقتصادی، رتبه‌بندی آنها و همچنین شاخص‌های اقتصادی می‌باشند. در اقتصاد اسلامی هدف نهایی کمال و خوشبختی انسان در سایه قرب الهی است. عدالت، رفاه و آزادی نیز در زمره اهداف میانی نظام اقتصادی اسلام قرار می‌گیرند.

چهار. فروض رفتاری

مراد از فروض ارزشی درباره عامل اقتصادی این است که برای او کدام استاندارد رفتاری را می‌پذیریم؟ فرض عقلانیت اقتصادی یکی از فروض رایج ارزشی در خصوص عامل اقتصادی است. این استاندارد رفتاری با برجسته کردن انگیزه‌های خودخواهانه در انسان، توجه چندانی به انگیزه‌های خیرخواهانه ندارد. این در حالی است که در اقتصاد اسلامی، آن استاندارد رفتاری پیش فرض گرفته می‌شود که به همه ظرفیت‌های انگیزشی انسان توجه دارد؛ هم انگیزه‌های خودخواهانه و هم انگیزه‌های خیرخواهانه. البته این نکته نیز مطمح‌نظر قرار می‌گیرد که عقلانیت ناقص انسان وی را در معرض انتخاب‌های نادرست قرار می‌دهد؛ مشکلی که می‌تواند با توجه به محدودیت‌های شناختی، انگیزشی و اردای انسان کاهش یابد. آنچه از آن می‌توان با عنوان «عقلانیت تکامل‌یافته» یا «عقلانیت معنوی» یاد کرد، استاندارد رفتاری مطلوب در اقتصاد اسلامی است. علم اقتصاد اسلامی ضمن تحلیل مشکلات افراد در دستیابی به این استاندارد رفتاری، چگونگی نزدیک کردن افراد به این استاندارد رفتاری و نهادینه کردن اخلاق و معنویت در اقتصاد را بررسی می‌کند.

پنج. فروض ساختاری

پس از در نظر گرفتن فروض ارزشی، نوبت به ارائه فروض یا توصیه‌های ساختاری به‌عنوان محور مکتب اقتصادی اسلام می‌رسد. توصیه‌های ساختاری مرتبط با ساختار نهادی مطلوب در اقتصاد اسلامی است. در این مرحله ساختارهای نهادی مطلوب نظام اقتصادی اسلام که باید در جامعه ایجاد شود تا رفتارهای اقتصادی در درون آن شکل گیرد، کشف، طراحی و توصیه می‌شود. ساختار نهادی مزبور ناظر به ساختارهای نهادی مقبول اسلام (شیوه مطلوب ساماندهی حقوق مالکیت، سازوکار تخصیص منابع و شیوه توزیع و بازتوزیع درآمد و ثروت) به‌منظور تخصیص منابع به نیازها، توزیع محصول بین عوامل تولید و بازتوزیع ثروت در جامعه است.

شکل ۴: فروض ارزشی اقتصاد اسلامی



- دانش مطلوب
- اهداف مورد نظر
- ساختارهای مطلوب
- استانداردهای رفتاری

نشن. قضاوت ارزشی

مراد از «قضاوت ارزشی» این است که اقتصاددان در خصوص میزان موفقیت نظام اقتصادی در تأمین ارزش‌ها و اهداف اقتصادی پذیرفته‌شده به‌عنوان پیش‌فرض قضاوت کند. در این مرحله سؤال این است که آیا نظام اقتصادی و رفتارهای اقتصادی، ما را به ارزش‌ها و اهداف موردنظر می‌رسانند؟

قضاوت ارزشی به‌طور معمول پس از تحلیل‌های اثباتی اقتصاد خرد و کلان در چارچوب اقتصاد رفاه صورت می‌گیرد. در اقتصاد خرد رفتار اقتصادی در چارچوب یک بازار ایده‌آل رقابتی و با فرض عقلانیت اقتصادی افراد تجزیه و تحلیل می‌شود. در رویکرد اقتصاد متعارف ادعا می‌شود که خروجی این بازار، قیمت و مقدار تعادلی است. در انتها خروجی سیستم براساس معیار اضافه رفاه مصرف‌کننده و تولیدکننده ارزیابی می‌شود. اقتصاددانان استدلال می‌کنند که نظام بازار آزاد رقابتی، هدف اصلی موردنظر (کارایی در تخصیص منابع به نیازهای بی‌شمار) را تأمین می‌کند. در تحلیل سیستم هم‌عنوان می‌شود که اگر مداخله‌ای در بازار صورت گیرد، کارکرد آن مختل می‌شود و اضافه رفاه کل کاهش می‌یابد. این ارزش‌گذاری یا ارزیابی سیستمی براساس معیاری ارزشی موسوم به «اضافه رفاه» صورت می‌گیرد. براین اساس، رفاه به‌دست‌آمده یا از دست‌رفته براساس فاصله بین قیمت پرداختی و قیمت خواسته‌شده برای پرداخت تعیین می‌شود.

محققان اقتصاد اسلامی ضمن نقد رویکرد رایج در اقتصاد رفاه نسبت به کارآمدی بازار آزاد در تأمین اهداف منظور نظام اقتصادی اسلام، از جمله عدالت اقتصادی ابراز تردید می‌کنند. از نگاه ایشان، اهداف نظام اقتصادی اسلام زمانی محقق می‌شود که در کنار دست نامرئی بازار، دست نامرئی اخلاق و دست مرئی دولت عمل کند. بنا به تحلیل برخی از اقتصاددانان مسلمان، دست نامرئی اخلاق در قالب سازوکار تسویه اخلاقی به بهبود عملکرد بازار آزاد کمک می‌کند. براساس این نگرش، انگیزه‌های مصرفی مسرفانه و ناشی از چشم‌وهمچشمی قبل از ورود به بازار به‌واسطه تمایلات اخلاقی عاملان اقتصادی تسویه می‌شوند. همین امر از فشار تقاضا بر بازار می‌کاهد (چپرا، ۱۹۹۲، ص ۹).

هفت. توصیه ارزشی

پس از قضاوت ارزشی نوبت به توصیه ارزشی می‌رسد. در این مرحله اقتصاددان به سمت ارائه توصیه‌های سیاستی می‌رود. بسته به اینکه اقتصاددان چه پاسخی به سؤال مربوط به کارکرد نظام اقتصادی بدهد، قضاوت و توصیه ارزشی او متفاوت خواهد بود.

خروجی استدلال اقتصاد خرد متعارف این است که تعادل حاصل از نظام بازار آزاد بهترین خروجی است؛ زیرا اضافه رفاه کل بیشینه می‌شود. این رویکرد سیاستی با مشاهده موارد متعدد شکست بازار با تردید مواجه می‌گردد و اقتصاددانان مداخله دولت در برخی کارها، همچون تولید کالاها و خدمات عمومی، مواجهه با

پیامدهای بیرونی منفی و همچنین مداخله در زمینه تأمین اجتماعی را پذیرفته‌اند. این رویکرد زمینه معرفی و پذیرش سیاست‌های پولی و مالی برای بهبود عملکرد بازار آزاد را فراهم کرده است. در رویکردهای «هتردوکس» - از جمله اقتصاد رفتاری - کارآمدی فرض عقلانیت اقتصادی با تردید مواجه شده است. آنان با تجدیدنظر در فرض عقلانیت کامل، امکان وجود افراد غیرعادل را به رسمیت شناخته‌اند. نتیجه این تغییر در فروض ارزشی خود را در توصیه‌های سیاستی نشان داده است. اقتصاددانان رفتاری مداخله سیاست‌گذاران برای تأثیر بر انتخاب افراد (نوعی پدرسالاری) را تجویز می‌کنند. البته این رویکرد در جریان غالب دانش اقتصاد پذیرفته نشده و رویکردی هتردوکس محسوب می‌شود.

تحلیل اقتصاددانان مسلمان از ناکارآمدی بازار در تأمین اهداف مطلوب نظام اقتصادی اسلام و لزوم استفاده از ظرفیت اخلاق و دولت، اقتضات سیاستی خود را دارد. در این رویکرد، سیاست اقتصادی منحصر در سیاست پولی و مالی نیست، بلکه سیاست‌های فرهنگ‌سازی اقتصادی نقشی مهم دارند. سیاست فرهنگ‌سازی اقتصادی با هدف غلبه بر مشکلات عقلانیت ناقص بشر و تلاش برای جهت‌دهی به ترجیحات و هنجارهای اجتماعی صورت می‌گیرد. در این زمینه، خداوند متعال از پیامبر خود می‌خواهد که از افراد زکات دریافت کند تا بدین وسیله آنها را تزکیه و تربیت اخلاقی کند. این بدان معناست که حتی هدف از سیاست مالی در اقتصاد اسلامی نیز صرفاً تأمین مخارج مالی دولت اسلامی نیست، بلکه هدف انسان‌سازی و تربیت اخلاقی اوست (توبه: ۱۰۳).

نتیجه‌گیری

ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی را می‌توان با تفکیک بین ارزش‌دآوری معرفتی و اخلاقی (آرمانی، رفتاری، ساختاری و سیاستی) توضیح داد. ارزش‌دآوری معرفتی حاکی از جهت‌گیری معرفتی محققان اقتصاد اسلامی در تولید دانش اقتصاد اسلامی است که انتخاب موضوع، رویکرد و روش تحقیق را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ارزش‌دآوری اخلاقی نیز در قالب تعیین و تعریف اهداف نظام اقتصادی اسلام، اولویت‌بندی آن اهداف، شاخص‌های اقتصادی و همچنین ترسیم رفتارهای آرمانی صورت می‌گیرد. ارزش‌دآوری ساختاری ناظر به ساختارهای مطلوب، از جمله ساختار حقوق مالکیت و مداخله در اقتصاد است. ارزش‌دآوری سیاستی نیز حاکی از توصیه برنامه‌ها و اقداماتی برای بهبود عملکرد نظام اقتصادی در چارچوب ساختار و استانداردهای رفتاری مفروض است.

ارزش‌دآوری در نظریه‌های اقتصاد اسلامی با ارزش‌دآوری معرفتی آغاز می‌شود. تلقی اقتصاددانان مسلمان از معرفت مطلوب در تعیین موضوع تحقیق، روش و جهت‌گیری آن مؤثر است. محقق اقتصاد اسلامی به‌واسطه اهمیت‌دادن به بعد معنوی حیات بشر، تجزیه و تحلیل مقولاتی همچون معنویت و اخلاق و بررسی

تأثیر آن بر رفتارها و عملکردهای اقتصادی را در اولویت قرار می‌دهد. همچنین اقتصاددانان مسلمان مسئولیت دانش اقتصاد اسلامی را اقتصادی صرف نمی‌بینند، بلکه این دانش را در خدمت تحقق اهداف فرهنگی و اجتماعی - همچون رشد اخلاق و معنویت - می‌بینند. پذیرش رسالت اقتصاد اسلامی در اصلاح واقعیت فاسد اقتصادی نیز موجب می‌شود که هدف از نظریه اقتصاد اسلامی تنها تبیین و پیش‌بینی نباشد، بلکه تغییر و اصلاح نیز بخش مهمی از اهداف آن باشد.

نظریه‌های اقتصاد اسلامی متضمن ارزش‌دواری اخلاقی نیز می‌باشند. فروض اخلاقی در قالب تعیین اهداف نظام اقتصادی اسلام، تعریف این اهداف و اولویت‌بندی آنها، طراحی شاخص‌های اقتصادی و همچنین استانداردهای رفتاری عاملان اقتصادی بر نظریه‌های اقتصاد اسلامی اثر می‌گذارند. تعیین سه هدف «عدالت»، «امنیت» و «رشد» برای نظام اقتصادی اسلام، تعریف خاص این اهداف و همچنین اولویت‌بندی آنها در مباحث اقتصاد اسلامی، نه تنها دربردارنده ارزش‌دواری اخلاقی است، بلکه منعکس‌کننده رویکرد پذیرفته شده اقتصاددانان مسلمان نسبت به مفهوم «ارزش» و سلسله‌مراتب آن است. این نوع ارزش‌دواری اخلاقی در قالب شاخص‌های اقتصادی نیز ظهور و بروز می‌کند و برای نمونه زمینه معرفی شاخصی همچون شاخص تولید طیب را فراهم می‌آورد که متمایز از شاخص تولید ناخالص داخلی متعارف است. در این شاخص ارزش طیب‌بودن کالاها و خدمات تولیدی موجب می‌شود که حتی حسابداری تولید ملی نیز دستخوش تغییر شود. در نهایت فروض ناظر به استانداردهای مطلوب رفتاری نیز نظریه‌های اقتصاد اسلامی را با ارزش‌دواری اخلاقی ضمنی روبه‌رو می‌کند. اقتصاددانان مسلمان با مفروض گرفتن عقلانیت تکامل‌یافته با اخلاق و معنویت، فرمول‌بندی متفاوتی در رفتارشناسی اقتصادی در علم اقتصاد اسلامی دارند.

ارزش‌دواری در اقتصاد اسلامی تنها در قالب ارزش‌دواری آرمانی صورت نمی‌گیرد. پس از قبول ارزش‌های آرمانی، نوبت به ارائه توصیه‌های ساختاری در مکتب اقتصادی اسلام می‌رسد. این توصیه‌های ساختاری شامل موضوعاتی همچون اصول و قواعد حاکم بر حقوق مالکیت، میزان آزادی اقتصادی و مسئولیت‌های دولت اسلامی می‌شود. توصیه‌های ساختاری مزبور حاوی نوعی ارزش‌دواری ابزاری است؛ بدین مفهوم که تحقق این اهداف ابزاری برای دستیابی به آرمان‌های نظام اقتصادی اسلام، همچون عدالت، امنیت و رشد اقتصادی قلمداد می‌شود. ارزیابی تأثیر ساختارهای توصیه‌شده بر تحقق اهداف آرمانی نظام اقتصادی اسلام به‌طور معمول در قالب مباحث اقتصاد رفاه اسلامی مطرح می‌شود. نتیجه این ارزیابی سیستمی، توصیه‌های سیاستی برای تثبیت / تغییر ساختارها و همچنین معرفی سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات اقتصادی است.

ورود ارزش‌های اسلامی به نظریه‌های اقتصاد اسلامی، اختصاصی به مکتب اقتصادی اسلام ندارد؛ علم اقتصاد اسلامی نیز از فروض ارزشی متأثر می‌شود. در علم اقتصاد اسلامی، رویکردی متعالی به عقلانیت

اقتصادی زمینه‌ساز توجه به اخلاق و معنویت در تعریف انسان عقلایی مطلوب می‌شود. این رویکرد زمینه‌ساز نظریه‌پردازی در زمینه چگونگی ارتقای عقلانیت عاملان اقتصادی در جامعه اسلامی با استفاده از ابزارهایی همچون تعلیم و تربیت اقتصاد اسلامی می‌شود. علم اقتصاد اسلامی با در نظر گرفتن کارکرد اخلاق و نهادهای اخلاقی در اقتصاد اسلامی، به معرفی سازوکار تسویه اخلاقی در کنار سازوکار بازار می‌پردازد. این رویکرد زمینه گسترش مباحث اقتصاد نهادی اسلامی و تجزیه و تحلیل کارکرد نهادهای اسلامی بر عملکرد نظام اقتصادی اسلام را فراهم می‌کند. تحلیل کارکرد نهادهایی همچون صدقات و زکات در رفتارسازی اقتصادی از جلوه‌های برجسته مباحث اخلاق و اقتصاد اسلامی است.

هرچند ارزش‌های اخلاقی به‌عنوان فرض وارد نظریه‌های اقتصادی می‌شوند، ولی در ادامه درباره آنها قضاوت ارزشی می‌شود و مبنای توصیه ارزشی اقتصاددانان قرار می‌گیرند. از این‌رو، چرخه ورود ارزش‌ها در نظریه‌های اقتصاد اسلامی را می‌توان با تفکیک میان فروض، قضاوت و توصیه ارزشی توضیح داد.



پی‌نوشت

* این مقاله مستخرج از طرح ارزش‌شناسی اقتصاد اسلامی و همچنین طرح کتاب فلسفه اقتصاد تطبیقی ۲ مورد حمایت مالی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است.

- توکلی، محمدجواد و ایمان رفیعی پیشوری، ۱۳۹۹، «نگاهی نظام‌مند به ورود ارزش‌های اسلامی در نظریات اقتصادی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۸۰، ص ۲۴-۵.
- توکلی، محمدجواد و عباس شفیعی‌نژاد، ۱۳۹۱، «شاخص تولید خالص داخلی طیب»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۶، ص ۲۹-۵۴.
- _____، ۱۳۹۸، *شاخص تولید طیب*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- زرقا، محمد انس، ۱۳۸۲، «روش‌شناسی اقتصاد اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۱۰، ص ۱۱۳-۱۴۲.
- زریباف، سیدمهدی، ۱۳۸۷، «نقدی بر ماهیت علم اقتصاد با رویکرد ارزشی»، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ش ۴۶، ص ۳۳-۶۱.
- سبحانی، حسن، ۱۳۷۰، «چگونگی و ارتباط و درجه بستگی علم اقتصاد با قضاوت‌های ارزشی»، *تحقیقات اقتصادی*، ش ۴۴، ص ۳۶-۶۵.
- سن، آمارتیا، ۱۳۷۷، *اخلاق و اقتصاد*، ترجمه حسن فشارکی، تهران، شیرازه.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۰۰ق، *اقتصادنا*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- _____، بی‌تا، *الاسلام بقود الحیاة*، قم، مرکز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- صدیقی، نجات‌الله، ۱۳۷۴، «اندیشه‌های اقتصادی مسلمانان: بررسی متون معاصر»، در: خورشید احمد (تدوین)، *مطالعاتی در اقتصاد اسلامی*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، *فلسفه اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مک‌لاپ، فریتز، ۱۳۸۱، «اقتصاد اثباتی و دستوری»، *نامه مفید*، ش ۳۱، ص ۱۵۱-۱۸۴.
- یغمائی، ا، ۱۳۹۴، «نقش ارزش‌های غیرمعرفتی در ارزیابی معرفتی نظریه‌های علمی»، *راهبرد فرهنگ*، ش ۳۲، ص ۳۱-۴۸.
- یوسفی، محمدرضا، ۱۳۷۵، «ارزش‌ها و علم اقتصاد»، *نامه مفید*، ش ۶.
- یوسفی، احمدعلی، ۱۳۹۴، *اقتصاد تعاونی از منظر اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- Chapra, M. 1992, *Islam and the Economic Challenge*, Beltsville, Amana Publications.
- Chapra, M., 2000, *The Future of Economics; An Islamic Perspective*. Leicester, UK, Islamic Foundation.
- Chapra, M., 2014, *Morality and Justice in Islamic Economics and Finance*, Edward Elgar.
- Friedman. M., 1953, "The methodology of positive economics", in M. Friedman. *Essays in Positive Economics* (p. 3-43), Chicago, Chicago University Press.
- Hausman, D. & M. McPherson, 2006, *Economic Analysis, Moral Philosophy, and Public Policy*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Stenmark, M., 2005a, "A Religiously Partisan Science? Islamic and Christian Perspectives", *Theology and Science*, N. 3 (1), p. 23-38.
- Stenmark, M., 2005b, "A Counter-Response on A Religiously Partisan Science", *Theology and Science*, N. 3 (1), p. 92-95.